

چیستی معنویت در «جنبش عصر جدید»

دکتر احمد شاکر نژاد*

مقدمه

«به خودت ایمان بیاور»، «خودت را باور کن»، «به توانایی خودت ایمان داشته باش»، «به اهداف زندگی‌ت ایمان بیاور»، «به ندای درونت گوش بده»، «بر اساس تصورات خودت زندگی کن»، «به نیروهای بیکران خود ایمان داشته باش»، «اگر به معجزه نمی‌توانی ایمان بیاوری، به معجزه درونت ایمان بیاور»، «به خودت عشق بورز و نیروی درونت را آزاد کن»، «مثبت فکر کن»، «به خودت ایمان داشته باش؛ همه چیز خود تو هستی»، «خداوند در درون توست؛ بر اساس تصورات خودت زندگی کن»، «انرژی درونت را آزاد کن»، «از قضاوت دیگران نترس»، «اراده خودت را محقق کن»، «برای خودت هدیه بخر»، «تو می‌توانی با تجسم خلاق، هر چه می‌خواهی به دست آوری»، «رؤیای خودت را محقق کن»، «افسانه شخصیت را تحقق ببخش»، «نفس عمیق بکش؛ خدا را در درون خود بیاب» و ... این‌ها جملاتی هستند که امروزه بسیار می‌شنویم؛ چه در میان افراد متدین و چه غیر مذهبی. این جملات از کجا آمده‌اند و چرا امروزه مانند توصیه‌هایی مجرب و آزموده رواج یافته‌اند؟ اگر بخواهیم ریشه رواج این جملات و افکار در پس آن‌ها را بدانیم، باید به هفتاد سال پیش برگردیم و «جنبش عصر جدید» را بشناسیم.

پیدایش جنبش عصر جدید

در دهه ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم میلادی، شکل جدیدی از معنویت‌گرایی در غرب قوت یافت که هر چند مخالف کل دینداری نبود؛ اما دین نهادینه و مبتنی بر نظام روحانیت و مرجعیت دینی را مانعی بر سر راه معنویت‌گرایی می‌دانست و به جای آن، دین - خود یا دینداری بر اساس

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مرجعیت درونی را ترویج می‌کرد.^۱ البته ریشه این جریان به دهه ۷۰ میلادی بازمی‌گشت که جنبش ضدفرهنگ (مثل هیپی‌ها) تحت عنوان «عصر جدید»، ایده‌ها و تمارینی التقاطی را در جماعت‌هایی غیرمنسجم خود ترویج می‌کردند که معمولاً برخاسته از تعالیم نهضت‌های پتانسیل انسانی،^۲ ادیان بومی،^۳ جنبش‌های محیط‌زیستی،^۴ عصب‌شناسی زیستی،^۵ تفکر نوین،^۶ شرک باستان،^۷ ادیان شرقی^۸ و مسیحیت لیبرال^۹ بود. البته این جریان شبکه گسترده‌ای از افراد و گروه‌هایی را تشکیل می‌داد که مرزهای متمایز مشخصی با هم نداشتند و در معتقدات با یکدیگر هم‌پوشانی‌هایی داشتند، اما وجه مشترک آن‌ها این بود که جهان جدید (عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم) را جهانی کاملاً متمایز از جهان پیشین می‌دانستند و معتقد بودند که این جهان جدید، دین و معنویتی جدید و متمایز از ادیان نهادینه و سنتی می‌خواهد. بنابراین اولاً اصطلاح «عصر جدید»، اصطلاحی چتری شکل است که طیف گسترده‌ای از اعمال و باورها را شامل می‌شود^{۱۰} و ثانیاً وجه مشترک این موارد متنوع، آن است که خود را بدیل ادیان نهادینه و دارای نظام روحانیت به حساب می‌آورند.^{۱۱}

اصطلاح «عصر جدید» از کجا پدید آمد؟

موج اول این جریان که درست بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود، معتقد بودند که ما در حال پشت سر گذاشتن دو هزار سال تفوق برج حوت (ماهی) در اخترشناسی هستیم و بعد از آن

۱. هنیگراف، دین عصر جدید، در: لیندا وودهد، ادیان در دنیای مدرن، مترجمان حمید رضانیا و عبدالله غلامرضا کاشی، ص ۳۶۲.

2. Human Potential.

3. Indigeneous religions

4. Ecology movement.

5. Neurobiology.

6. New thought.

7. New Paganism.

8. Eastern Religious.

9. Szerszynski, Bronislaw. "Religious movements and the New Age: their relevance to the environmental movement in the 1990s." Centre for the Study of Environmental Change (1992): 111-139, p 8.

۱۰. جان رالز هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ص ۴۴۸.

۱۱. کولین کمبل، «تئودیه عصر جدید برای عصر جدید»، ترجمه باقر طالبی دارابی، هفت آسمان، ص ۱۸۸.

نوبت به تفوق برج دلو (سطل آب) یا آکواریوس (Aquarius) می‌رسد. برای همین دینداری نهادینه و ادیان سلسله مراتبی و منجمد که متناسب با عصر حوت بود، باید جای خود را به دینداری غیرنهادینه و سیال که مناسب با عصر دلو است؛ بدهند^۱ تا به این شکل معنویت‌گرایی با روح جهان هماهنگ شود.^۲

اعتقاد به تناسخ، دیدگاه همه‌خدایی، توجه به قدرت‌ها و نیروهای روحی و روانی، احضار ارواح، انرژی‌درمانی، یوگا و مدیتیشن، هاله‌درمانی، سنگ‌درمانی و... هر چند قبل از دهه ۸۰ قرن بیستم نیز در اروپا و آمریکا به شکل پراکنده شایع بود؛ اما بعد از دهه ۸۰ و در قالب جنبش عصر جدید چنان اوج گرفت که برخی از تجارت‌چندین میلیارد دلاری این فعالیت‌ها می‌گویند و برآورد می‌کنند که حداقل دوازده میلیون نفر در آمریکا درگیر این فعالیت‌ها هستند.^۳ برخی نیز بر اساس آمارهای مراکز آمارگیری در آمریکا مثل مؤسسه PEW، از این امر متعجب هستند که هر چند آمارها از کاهش دینداران رسمی حکایت دارد و کلیساها خالی شده است، اما به همان میزان به شمار بی‌دین‌ها افزوده نشده است.^۴ این نشان از استقبال دینداران سابق از معنویت عصر جدید یا به عبارت دیگر معنویت فارغ از مرجعیت و روحانیت دارد.

برای دینداران و مبلغان دینی، شناخت فرقه‌های دینی جدید کار آسانی است؛ زیرا نهاد متولی و ساختار ثابت و تعریف‌شده‌ای دارند، اما شناخت جنبش‌های معنوی بی‌سامان و بی‌نهاد مانند جنبش عصر جدید دشوار است؛ زیرا مبلغ با پدیده‌ای سیال و بی‌شکل مواجه است. با وجود اینکه در غرب، این پدیده قدمت بیشتری داشته و قریب به ۷۰ سال است که مشغول ترویج منش خود است؛ با این حال کلیسای کاتولیک همین دو دهه پیش بود که به خطر آن پی برد و برای آشنایی مبلغان با این پدیده و عدم خلط آن با معنویت دینی، پژوهش‌ها و بیانیه‌های متعددی صادر کرد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، بیانیه «عیسی مسیح: ساغی آب حیات: تأملات

۱. از دیدگاه ستاره‌شناسان باستان، سال کبیره متشکل از دوازده ماه است که هر ماه آن ۲۱۶۰ سال طول می‌کشد. اگر آغاز عصر حوت را تولد حضرت عیسی علیه السلام بدانیم، ما اکنون در آستانه عصر دلو قرار داریم. با این توضیح که آغاز عصر جدید دوره‌ای مقدماتی دارد که بر اساس نشانه‌های رخ داده، مقدمات آن بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شده است.

۲. استیو بروس، دین در دنیای مردن، ترجمه فیاض قرانی، ص ۳۶۳.

۳. سارا پایک، دین‌های عصر جدید و کافرکشی جدید در آمریکا، ص ۸۳.

4. Houtman, Dick, and Peter Mascini. "Why do churches become empty, while New Age grows? Secularization and religious change in the Netherlands." *Journal for the Scientific Study of religion* 41, no. 3 (2002): 455-473, 455.

مسیحیت در باب جنبش عصرجدید^۱ است. این بیانیه نشان می‌دهد که آنچه معنویت عصرجدید ارائه می‌کند، آب حیات نیست؛ بلکه سراب است، اما در قالب معنویت به دینداران عرضه می‌شود.^۲

معنویت‌گرایی عصر جدید در ایران

پدیده معنویت‌گرایی عصرجدید هر چند مصادف با رواج آن در غرب در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در قالب هیپی‌گری در ایران نیز نمایان شد، اما با پیروزی انقلاب اسلامی بسیار زود از صحنه فرهنگ ایران کنار رفت. با این حال در دهه اخیر با گسترش فضای مجازی و آزادی‌های مدنی و البته کاهش تعلقات دینی، رواج دوباره یافته است و نسخه‌های جدید این پدیده که دوشادوش بازار فرهنگ در حرکت است؛ به ایران وارد شده است و در قالب استارت‌آپ‌ها، رویدادها، صنایع دستی، خوداشتغالی، کسب و کارهای مجازی و یا خانگی، کارگاه‌های مهارت‌افزایی، موفقیت‌شغلی، ورزش‌های همگانی، هنرهای رزمی و ... در حال گسترش است.

به طور دقیق‌تر باید گفت معنویت عصر جدید در ایران از ابتدای دهه ۸۰ هجری شمسی در قالب کتاب، کارگاه، کلیپ، سخنرانی و حتی فیلم و برنامه تلویزیونی و به طور نامحسوس و سیال به تغییر باورهای دینی و ساختارهای مذهبی جامعه پرداخته است؛ اما متولیان مبارزه با فرقه‌های کاذب سرگرم مبارزه با پدیده‌های کم‌شماری مانند شیطان‌پرستی، اکنکار، فالون دافا و دیگر فرقه‌ها شده و از این پدیده سیال و نامرئی غفلت کرده‌اند و در سایه این غفلت و سوار بر بال فرهنگ، معنویت عصرجدید مفاهیم خود را در ایران توسعه داده است. سیالیت و خزندگی این پدیده و ویژگی تلفیقی آن باعث شده است شدت گسترش و آسیب‌سانی این امر نامرئی به مراتب بیش از فرقه‌های نوظهور باشد.

به طور خلاصه معنویت عصر جدید، بریکولاژ یا لهاف چهل تکه‌ای از ادیان و مکاتب الهی و بشری به همراه گرده‌برداری از علوم و تکنیک‌های مدرن فراهم می‌آورد تا بتواند به انسان مادی امروز تقدسی بدون تعبد و معنویتی بدون تقید بخشد. برخی از جلوه‌های این معنویت نامرئی و سیال از این قرار است:

1. Jesus Christ, the Bearer of the Water of Life: A Christian Reflection on the "New Age"
2. Christ, Jesus. "THE BEARER OF THE WATER OF LIFE A Christian reflection on the "New Age". (2003).

۱. فناوری و تکنیک‌های روحی، روانی و جسمی (یوگا، مراقبه، تائی چی، طالع‌بینی، شفابخشی، ارتعاش روحی، گیاهخواری، مانترا، چاکرادرمانی، عشق معنوی، ماندلا، تله‌پاتی، هیپنوتیزم، هومیوپاتی)؛
۲. مفهوم، اصطلاح و یا عقیده متفاوت (گایا، چی، کارما، تناسخ، ندای درون، گورو، انرژی کیهانی، کاندولینی، برج دلو، خوددگرسانی شامل خود - یاری، خود - شکوفایی، خودتوانمندسازی و خود - کامروایی)؛
۳. کتاب، برنامه تلویزیونی، فیلم (حول آثار و آرای افرادی مانند دیوید اسپنجر، ویلیام بوم، وین دایر، کن ویلبر و اکهارت توله و یا نمایندگان مدرن معنویت شرقی مانند یوگاناندا، راماکریشنا، سوامی ویوکاناندا، راجنیش اوشو، دالای لاما، رام داس، اندرو کوهن و دیپاک چوپرا و ...)
۴. سوءاستفاده معنوی از رشته‌های دانشگاهی یا گرایش‌های شبه علمی (الهیات لیبرال و ترقی خواه، روان‌درمانی، روانشناسی انسانگرا، فیزیک کوانتم، روانشناسی فراشخصی، انرژی درمانی، ماساژدرمانی، سوزن‌درمانی و ...).

چیستی جنبش عصر جدید

همان‌طور که گفته شد معنویت عصر جدید (New Age Spirituality) که مهم‌ترین ویژگی آن روحانیت‌گریزی و ترویج «ولگردی معنوی» است، در پوشش عرضه کالاهای فرهنگی از دهه ۱۹۸۰ در غرب ترویج شده و گسترش یافته است. پیروان این جریان که عمدتاً در غرب امروزه خود را «معنویت‌گرایان بدون مذهب» (sbnr) می‌نامند، در قالب فعالیت‌های ورزشی، درمانی، خیریه، اجتماعی و بیش از همه در قالب بازار داد و ستد کالاهای فرهنگی به فعالیت مشغولند. این پدیده را محققانی مانند جرمی کارت و ریچارد کینگ، فروکاهش دین به معنویت و زمینه‌سازی برای خرید و فروش آن در بازار می‌دانند که در نتیجه روحانیت‌زدایی از دین است و در نهایت به غلبه آرم بر دیانت (به عنوان فعالیت جدی و ساختارمند) می‌انجامد. ووتر هنیگراف، یکی از متخصصان تحلیل جنبش عصر جدید، در مقاله «جنبش عصر جدید» که در دائرةالمعارف جنبش‌های دینی نوظهور چاپ شده است؛ در تعریف این جنبش چنین می‌گوید:

«جنبش عصر جدید (NEW AGE MOVEMENT (NAM)، اصطلاحی فراگیر است که در مورد طیفی وسیع از گروه‌ها، جوامع و شبکه‌هایی به کار برده می‌شود که درگیر فرایند تحول آگاهی

می باشند که به ظهور عصر دلو، یعنی دوره‌ای از تاریخ منجر خواهند شد که خورشید به نشانه برج دلو در اعتدال بهاری قرار خواهد داشت. از دیدگاه برخی از دست‌اندرکاران عصر جدید، این عصر تقریباً اتفاق افتاده است؛ ولی از دیدگاه دیگران این عصر در حدود ۳۰۰ سال است که هنوز خاموش می‌باشد.^۱

جنبش عصر جدید، یک جنبش تلفیقی است که طیف گسترده‌ای از باورها و اعمال را در خود جای داده است. هنیگراف در این زمینه می‌گوید: «جنبش عصر جدید شامل طیفی وسیع از عقاید مربوطه به الوهیت خود، شفابخشی، مغناطیس حیوانی، تفکر نوین معنوی، پتانسیل انسانی، احیای شرک باستان، ادیان ابتدایی و بومی و همچنین ادیان شرق است».^۲

البته هنیگراف برای جنبش عصر جدید دو مرحله قائل است. مرحله اول این جنبش مربوط به دهه ۷۰ میلادی است که وی آن را عصر جدید خاص می‌داند. در این مرحله جنبش عصر جدید، یک جنبش هزاره‌گراست که به دنبال آماده‌سازی افراد برای ورود به عصر جدید، یعنی عصر دلو است که در آن همه چیز بر مبنای سیالیت بوده و دیگر ارزش‌های عصر حوت که مبتنی بر جزمیت است؛ اعتبار خود را از دست می‌دهد. جنبش خاص عصر جدید جماعت‌گرا، انگلیسی، ایده‌آلیستی و مبتنی بر ستاره‌شناسی خاص است؛ اما از دهه ۸۰ میلادی این جنبش در آمریکا گسترش می‌یابد و فردمحور و مبتنی بر توسعه فردی و شکوفایی استعدادهاى افراد می‌شود. در این مرحله است که این جنبش به سمت بازار می‌رود و تلاش می‌کند از مکانیزم آن برای بازتولید عقاید خود استفاده کند. آنچه امروزه معنویت سیال یا معنویت بی‌سامان نامیده می‌شود، همین مرحله عام جنبش عصر جدید است.^۳

یکی از عقاید جنبش عصر جدید که بسیار در فروش کالاهای این جنبش نیز به چشم می‌آید، اعتقاد به کل‌بودگی جهان (Holism) است. این عقیده که از آن با عنوان فرضیه گایا (gaia) نیز یاد می‌شود، چنین می‌گوید که «سیاره زمین، نظامی کامل و خودکفا می‌باشد و همراه با ساکنان خود، یک موجود زنده واحد را تشکیل می‌دهد».^۴ این کل‌گرایی، زمینه‌ای است برای ادعاهای درمانی که در پس فروش سنگ‌های تزئینی، وسائل ماساژ و یا انرژی‌درمانی (گواصا، جیدرولر،

۱. پیتر کلارک، دایرةالمعارف جنبش‌های دینی نوظهور، ترجمه هادی وکیلی، ص ۶۵۲-۶۴۵.

۲. همان، ص ۶۴۶.

۳. لیندا وودهد، ادیان در دنیای مدرن، ص ۳۷۰.

۴. همان، ص ۶۵۰.

اسماج، پالوسانتو، کاسه تبتی و...) و همچنین وسایل مربوط به سلامتی کل نگر وجود دارد.

باورهای جنبش عصر جدید

رویکرد تلفیقی و التقاطی جنبش عصر جدید به جهان، باعث شده این جنبش طیفی گسترده از عقاید و باورها را در خود جای دهد؛ اما با این حال می‌توان برخی از عقاید برجسته آن را فهرست کرد. یکی از مقالات علمی در معرفی این جنبش به زبان فارسی، در دانشنامه دین‌پریل چاپ شده است. هر چند نویسنده مدخل عصر جدید در دانشنامه دین‌پریل اذعان دارد که نمی‌توان فهرستی کامل از عقاید این جنبش ارائه کرد، اما تلاش می‌کند رئوس اصلی این عقاید را به شکل زیر بیان کند:

۱. کلیت هستی همچون توده‌ای پهناور و عظیم از اشیاء مادی است که آن را نمی‌توان به عنوان شبکه‌ی معنایی مرتبط و به هم پیوسته تصور کرد.
۲. اساس کیهان ماده نیست؛ بلکه امری نامرئی است که می‌توان از آن به عنوان آگاهی یا انرژی یاد کرد.
۳. هر یک از ما انسان‌ها بارقه‌ای از آن انرژی یا آگاهی را در خود داریم که می‌توانیم با تکیه بر آن، واقعیات را تغییر بدهیم و جهان خودمان را بسازیم.
۴. انسان‌ها علاوه بر کالبد مادی دارای دو بخش دیگر، یعنی ذهن و روح نیز هستند. بنابراین هنگام بیماری باید برای هدایت و ترمیم هر سه عنصر درونی خویش کوشش نمود، نه اینکه به ترمیم اختصاصی کالبد پرداخت.
۵. هر کدام از ما در مسیر سفری برای تکامل روح هستیم؛ سفری که پس از مرگ کالبد مادی هم پایان نمی‌یابد و در طی زندگی‌های دیگر ادامه خواهد داشت (تناسخ).
۶. برای شناخت و درک دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم و یا جایگاهی که در این عالم داریم، راه‌های بهتری از ادراکات عقلانی نیز وجود دارد. شاید بتوانیم بینش معنوی را در سوسوی دریافت‌های درونی خویش به دست آوریم. حالاتی نبوی (پیش‌گویانه) وجود دارد که می‌توان با آن‌ها از طریق موجودات پیشرفته متعالی یا بخش ملکوتی وجود خودمان به معرفت دست یابیم. انواع راهبردهای مختلف مانند ستاره‌شناسی یا طالع‌بینی با کارت‌های تاروت، می‌تواند همین عملکرد را داشته باشد.
۷. بینش‌های مشابه در باب ساختار کائنات و شخص خودمان به وسیله شماری از فرهنگ‌های باستانی، از مصر گرفته تا هند و سرخ‌پوستان آمریکا، مورد تأیید و تصدیق قرار

گرفته‌اند.

۸. چنین بینش‌هایی با جدیدترین پیشرفت‌های علمی غرب به‌ویژه دانش مکانیک کوانتوم نیز تأیید شده است.

۹. معنویت امری برای قبول تعالیم و آیین‌هایی نیست که دیگران تدوین کرده‌اند؛ بلکه یک طلب و تجسس فردی است که مبنای آن اساساً بر تجربیات شخصی استوار است (و یا باید باشد).

۱۰. ما می‌توانیم به صورت فردی یا گروهی با داشتن چنین دیدگاه‌های معنوی دنیا را به مکانی بهتر تبدیل کنیم.^۱

این مدخل از دانشنامه دین بریل درباره ریشه‌های این عقاید چنین می‌گوید:

«جنبش عصر جدید انواع فرهنگ‌های کهن همچون مصر، هند، چین، تبت، بومیان آمریکا و حتی قاره افسانه‌ای آتلانتیس را به عنوان منابع اعتقادات و باورهای شان نشان می‌دهند. البته کسانی که مدعی اصول نهایی این جنبش شده‌اند، این آیین و روش‌ها را متعلق به خود می‌دانند. از طرف دیگر مطالعات محققانه بیشتر به نمایاندن جنبش عصر جدید، به عنوان ترکیبی برگزیده از مهم‌ترین انواع تفکرات غربی تمایل دارد. سه منشأ پیچیده، مرموز و برجسته این جنبش را می‌توان ذهنیت تنوسوفی (عرفان)، جریان‌های فکری جدید در آمریکا و روانشناسی معنوی‌شده کارل گوستاو یونگ دانست».^۲

همایون همتی نیز در کتاب عرفان عصر جدید خود که شاید تنها کتاب مستقل به زبان فارسی درباره این جنبش باشد، عقاید آن را چنین فهرست می‌کند:

- ظهور عصر جدید، محصول سکولاریزاسیون بوده است.
- عصر جدید، یک جهان‌بینی ملغمه از افکار گوناگون است که به صورت «فرقه»^۳ عمل می‌کند.
- خدا، منشأ ارزش‌ها و حقیقت مطلق حاکم بر جهان نیست.
- عصر جدید، معنا و کمال را در دین جست‌وجو نمی‌کند.

۱. کوکوفون استوکرا، دانشنامه دین بریل، ج ۲، ص ۱۱۶۹.

۲. همان، ص ۱۱۷۰.

- باید از همه جنبه‌های زندگی لذت برد.
- ترویج آزادی جنسی برای همه و همجنس‌بازی.
- الوهیت همه موجودات و همه انسان‌ها و نفی خداشناسی.
- طبیعت (زمین و کیهان) واقعیتی مستقل، خوب، زیبا و غنی است. ما نیز بخشی از طبیعتیم.
- از آنجا که ما خودمان وجود خودمان را می‌سازیم، هیچ چیز شرّ و بدی که ما را تهدید کند؛ وجود ندارد.
- عیسی مسیح و هیچ کس، پسر خدا نیست و همه، خدا هستند. تفکر عصر جدید هر چند از ادیان شرقی و علوم غریبه استفاده می‌کند، ولی یک جریان سنتی نیست.
- رهبر جهانی کریست یا میترا، هدف اصلی نهضت جهانی عصر جدید است.
- نهضت عصر جدید به قدری فراگیر و گسترده است که از ورزش تا موسیقی، هنر و تعلیم و تربیت تأثیر گذاشته است.
- عصر جدید در پی استقرار یک نظم جدید جهانی است.
- عصر جدید به همه ادیان گشوده است و ترکیبی از همه ادیان است.
- خود خداست، ردّ یهوه و مسیحیت و عقیده به دجال.
- تفکر عصر جدید به هیچ‌گونه مرجع اعتبار خارجی اعتقاد ندارد (فقط خدای درون).
- خود فرد، ملاک حقیقت است و هیچ حقیقت عینی‌ای وجود ندارد.
- خدا آفریدگار نیست؛ بلکه خود بخشی از آفرینش است، نه جدا از آن. عصر جدید عقیده به مونیسیم (وحدت‌انگاری طبیعی) را از ادیان شرق وام گرفته است، تنها یک ذات در جهان وجود دارد و بقیه همه جزئی از آن هستند.
- در عصر جدید هیچ‌گونه مفهومی از گناه وجود ندارد. چون خدا وجود ندارد، گناهی هم وجود ندارد.
- رستگاری در عصر جدید بستگی به انسان‌ها دارد. اگر کل انسان‌ها به حقیقت برسند، جهان هم پاک می‌شود و به حقیقت می‌رسد.
- بر اساس عصر جدید، تمایز بین خیر و شرّ رد شده است.

- در آثار عصر جدید شیطان به‌عنوان موجود شریر، به کلی غایب است. در عوض او موجودی قدرتمند و نورانی و حاکم بشریت توصیف شده است.
- عصر جدید معتقد به تناسخ است.
- انقلاب ارتباطات، رنسانس و رفورماسیون، از علل پیدایش عصر جدید هستند.
- تأثیر تکامل داروینی (جهان‌بینی عصر جدید تکامل‌گرایانه است).
- ضعف مسیحیت و برنامه‌های کلیسا در پاسخ به عطش معنوی انسان معاصر.
- نسبی‌گرایی، اساس مهم تفکر عصر جدید است.
- تعالی‌گرایی و پیشرفت فردی، جای خدا را در عصر جدید گرفته است.
- نوستالژی برای مناسک باستانی و حکمت کهن، یکی از دلایل قبول عصر جدید است.
- مجموعه‌ای از اموری که در مسیحیت تحت عنوان بدعت شناخته شده‌اند، در عصر جدید حضور دارند و مجازند.
- عصر جدید، ماهیت شبکه‌ای^۱ دارد و منحصر به یک تشکیلات یا سازمان خاص نیست.
- بر پایه عصر جدید فرقه‌هایی ساخته شده است، پس خودش یک فرقه واحد نیست؛ بلکه منبع الهام فرقه‌هاست و ماهیت فرقه‌ای دارد.
- عصر جدید، میل به ترکیب همه چیز دارد و لذا کل‌گرا و کل‌نگر^۲ است.
- آنچه در عصر جدید، جدید است؛ تلفیق عناصر معنوی باطنی و سکولار است. عناصر معنوی، سکولار، جادو، درمانگری (یوگا، کابالسم، انرژی، روانکاوی، محیط‌زیست و...).
- عصر جدید تغییر از فیزیک نیوتنی به کوانتومی و از تفکر عقلانی به مدرنیته و از عواطف و احساسات به تفکر شهودی و از مردم‌محوری به زن‌محوری است.
- طبق جهان‌بینی عصر جدید، عالم پر از فرشته‌ها و قوای روحانی است و از طریق احضار روح، می‌توان با آن‌ها تماس گرفت.
- عصر جدید ادعا می‌کند که کلیدهای ارتباط با عناصر جهان را در اختیار فرد قرار می‌دهد تا او چگونگی صدای وجود خودش را بشنود و خودش را با آن هماهنگ سازد.
- طبق مبانی عصر جدید باید از استادان الهام‌شده پیروی کرد.^۳

1. Network.

2. Holistic.

۳. همایون همتی، عرفان عصر جدید، ص ۳۰۸-۳۰۵.

با نگاهی اجمالی به اعتقادات بیان شده و نظری تطبیقی به معنویت اسلامی، می‌توان لیستی از آموزه‌های این جنبش فراهم کرد که می‌تواند با آموزه‌های اسلامی التقاط یابد و یا به جای آموزه‌های معنویت اسلامی تبلیغ شود:

معنویت اسلامی	جنبش عصر جدید		معنویت اسلامی	جنبش عصر جدید
۱ خدا	کیهان / گایا / انرژی /فرکانس/ موج	۳	توبه و تهذیب	پاکسازی درون
۲ تقدیر الهی	انرژی کیهانی	۴	وسعت رزق	افزایش ثروت
۵ پاداش و جزا	کارما	۶	خودسازی	خودشکوفایی
۷ مراقبه، حضور قلب و ذکر	مدیتیشن	۸	بهجت و سرور	شادی و خنده
۹ الهامات قلبی	ندای درون	۱۰	طهارت و نظافت	فنگ‌شویی/پاکسازی انرژی
۱۱ سعادت	موفقیت	۱۲	انسان کامل	قهرمان
۱۳ تفأل خیر و حسن ظن	قانون جذب/ مثبت‌اندیشی	۱۴	آزمون الهی	آسایش و رهایی از رنج
۱۵ اعتنا فرصت و ابن‌الوقتی	زندگی در حال/دم غنیمتی	۱۶	نور / روح / نفس رحمانی / شفاعت/ تبرک / توکل / فیض	انرژی‌های مثبت
۱۷ خودشناسی	خودباشی	۱۸	جنود شیطان، طواغیت	انرژی‌های منفی
۱۹ اذکار و اوراد	قدرت کلمات	۲۰	جهاد با نفس	پتانسیل انسانی / تحقق خود
۲۱ وحی	خودیاری	۲۲	عشق الهی	عشق اینجهانی / ارتباط عاشقانه
۲۳ عاقبت بخیری	آرامش / آسایش	۲۴	رضایت الهی	رضایت باطن
۲۵ تقدم امت اسلامی بر افراد	تقدم فرد بر جامعه	۲۶	پرهیز از بدعت	استقبال از بدعت و تلفیق
۲۷ عبودیت و تبعیت	آزادی و استقلال	۲۸	ایمان راسخ	ایمان سیال
۲۹ تکلیف	سود	۳۰	اطاعت	تصاحب (خرید/ جذب)

نقدها

غیر از الهی‌دانان مسیحی که معنویت عصر جدید را چالش اصلی معنویت دینی می‌دانند و آن را نقد می‌کنند، دانشمندان علوم انسانی نیز از دریچه روانشناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات ادیان به نقد این پدیده پرداخته‌اند. به عنوان نمونه رابرت واثنو، جامعه‌شناس معروف آمریکایی در نقد

این جنبش به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. معنویت عصر جدید ریشه در ادیان نهادینه ندارد و گرده‌برداری‌های آن نیز بسیار سطحی و ظاهری است.
۲. شخصی و انفسی است و به وجوه جمعی و اجتماعی معنویت توجهی ندارد.
۳. التقاطی و تلفیقی است و از الگوی واحد پیروی نمی‌کند.
۴. متضمن دستورالعمل‌های سلوکی دقیق و سخت‌گیرانه که به پیشرفت معنوی منتج می‌شود، نیست.
۵. خودمحور و مبتنی بر منفعت خود است و خدمت‌رسانی به دیگران در آن یا وجود ندارد یا اگر وجود دارد تاجایی قابل تعریف است که منیت خدمت‌رسان آسیب نبیند.^۱
با مرور آثار غربی و برخی از آثار فارسی در زمینه مطالعات معنویت می‌توان عمده‌ترین پیامدهای گسترش معنویت عصر جدید را چنین خلاصه کرد:
 ۱. قوت‌زدایی از دین و محروم‌سازی جامعه از آثار انسجام‌بخشی دین سنتی؛
 ۲. تضعیف شعائر و آیین‌های مشترک موجود؛
 ۳. اختلال در ارزش‌های اجتماعی مشترک؛
 ۴. ابهام در مرزهای تمایزیابی دینی و هویت دینی؛
 ۵. محو هدف مشترک اجتماعی؛
 ۶. تخریب منبع معرفتی مشترک و اشتراک در منابع معرفت دینی؛
 ۷. استقلال‌طلبی معنوی و فروگاهش قرائت‌های رسمی و نهادینه از دین؛
 ۸. جایگزینی و یا کم‌اثرسازی نمادها و الگوهای مشترک دینی؛^۲
 ۹. رواج رویکرد مصرفی و کارکردی به دین و تبدیل آن به چوب دستی و غول چراغ.در این میان پیامد اصلی گسترش این جنبش، چرخش از عبادت خداوند به پرستش و تمجید از خود است. معنویت عصر جدید می‌داند که مانع اصلی معنویت‌گرایی، سلیقه‌ای و مبتنی بر تصمیمات شخصی، نظام روحانیت در ادیان است. نظام روحانیت در ادیان به دنبال ارائه قرائت موثق و مبتنی بر متن مقدس هستند و برای حفظ سلامت معنوی دینداران، اجازه ارائه قرائت‌های

1. Wuthnow, Robert. After heaven: Spirituality in America since the 1950s. Univ of California Press, 1998, 25-49

۲. بهزاد حمیدیه، جنبش‌های نوپدید دینی، تهران، انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۹۴، ۱۸۲-۱۹۸

سلیقه‌ای از دین را نمی‌دهند. برای همین است که معنویت عصر جدید دشمن اصلی خود را روحانیت و نظام مرجعیت دینی می‌داند تا بتواند مانع اصلی بر سر راه خودمحموری و خودارضایی معنوی را از میان بردارد؛ یعنی نفس انسان که در ادیان رسمی دشمن‌ترین دشمنان انسان فرض می‌شود، در معنویت عصر جدید دوستی راستین تلقی شده است که به جای نظام مرجعیت دینی باید از سخن وی پیروی کرد.

پاول هیلاس، جامعه‌شناس دین بریتانیایی، در مذمت این معنویت‌گرایی که مبتنی بر خدای درون و درک شخصی از الوهیت است، به نقل از چسترسون چنین می‌گوید: «یکی از خطرناک‌ترین ادیان پرستش خدای درون است...؛ زیرا اگر مثلاً جونز خدای درون را پرستد، در عمل این به معنای آن است که جونز جونز را می‌پرستد... جستجوی صرف سلامتی همیشه منجر به ناسلامتی می‌شود».^۱ به عبارت دیگر همان‌طور که سلامتی و طول عمر، وسیله‌ای برای دستیابی به هدف دیگری است؛ خودشناسی و خودشکوفای نیز باید به هدف خداشناسی صورت پذیرد، و الا صرف معرفت نفس نتیجه‌ای جز تمجید از خود، خودپرستی و دور شدن از خداوند نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

«جنبش عصر جدید» که قدمتی کمتر از ۷۰ سال دارد، مروج معنویت سیال، سلیقه‌ای و التقاطی مبتنی بر یافته‌ها و تمایلات فردی است و خود را در تقابل با دینداری نهادینه تعریف می‌کند تا بتواند نظام رسمی روحانیت و مرجعیت دینی را که مانع اصلی رواج قرائت‌های سلیقه‌ای و التقاطی است؛ از سر راه خود بردارد. آموزه‌ها و توصیه‌هایی مانند «به خود ایمان بیاور»، «به تصورات دیگران اهمیت نده»، «به قلبت رجوع کن»، «انرژی‌های درونت را فعال کن»، «در حال زندگی کن»، «مثبت فکر کن» و همچنین انجام تکنیک‌های دستیابی سریع به معنویت بدون توسل به نظام روحانیت مانند یوگا، مدیتیشن، تجسم خلاق، هاله‌بینی، انرژی‌درمانی، خنده‌درمانی و یا فروش کالاهایی انرژی‌تیک مانند اسماج، کاسه تبتی، رودراکشا، کوارتز، آمیتیست، پالوسانتو، گواصا، جیدرولر و...، برخاسته از آموزه‌ها و تکنیک‌های این جنبش است که به شکل نامحسوس و در قالب کالاها و محصولات فرهنگی و یا دوره‌های ورزشی، موفقیت شغلی یا تحصیلی ترویج می‌شود.

1. Heelas, Paul. *Spiritualities of life: New age romanticism and consumptive capitalism*. Vol. 3. John Wiley & Sons, 2008, p 1.

فهرست منابع

۱. استوکرا، کوکو فون، دانشنامه دین بریل، ترجمه مهدی لکزایی و علیرضا ابراهیم، قم: دانشگاه ادیان، ۱۳۹۹ش.
۲. بروس، استیو، دین در دنیای مدرن، ترجمه فیاض قرائی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ش.
۳. پایک، سارا، دین‌های عصر جدید و کافرکیشی جدید در امریکا، تهران: شاملو، ۱۳۹۵ش.
۴. حمیدیه، بهزاد، جنبش‌های نوپدید دینی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۹۴ش.
۵. کلارک، پیتر، دایره‌المعارف جنبش‌های دینی نوظهور، ترجمه هادی وکیلی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰ش.
۶. همتی، همایون، عرفان عصر جدید، تهران: نامک، ۱۴۰۱ش.
۷. هینلز، جان رالز، فرهنگ ادیان جهان، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ش.
۸. ووده، لیندا، ادیان در دنیای مدرن، مترجمان حمید رضانیا و عبدالله غلامرضا کاشی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶ش.

مجلات

۱. کمبل، کولین، «تئودیه عصر جدید برای عصر جدید»، ترجمه باقر طالبی دارابی، مجله هفت آسمان، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۱۰-۱۸۷.

منابع انگلیسی

1. Wuthnow, Robert. After heaven: Spirituality in America since the 1950s. Univ of California Press, 1998.
2. Heelas, Paul. Spiritualities of life: New age romanticism and consumptive capitalism. Vol. 3. John Wiley & Sons, 2008.
3. Szerszynski, Bronislaw. "Religious movements and the New Age: their relevance to the environmental movement in the 1990s." Centre for the Study of Environmental Change (1992): 111-139.
4. Houtman, Dick, and Peter Mascini. "Why do churches become empty, while New Age grows? Secularization and religious change in the Netherlands." Journal for the Scientific Study of religion 41, no. 3 (2002): 455-473.
5. Christ, Jesus. "THE BEARER OF THE WATER OF LIFE A Christian reflection on the "New Age"." (2003).